



Peasants Congress: the Government's Effort to Legitimize the Land Reform of 1962

Zeynab Ghanbarynejad¹ | Habibullah Saeedinia²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: To investigate and explain the formation of the Peasant Congress in 1963 and its results.

Method and Research Design: Data presented and analyzed is based on documents and library sources.

Findings and conclusion: The Peasant Congress was held in Tehran a year after the land reform. In order to achieve its political and economic goals, the government announced the emerge of the new class of "peasants" to be the backbone of the legitimacy of land reform. The government had failed in its previous efforts to carry out land reform due to the opposition of the landlords and a minority of the urban middle class. This time, however, it could gain national approval of the plan also through a referendum.

Keywords: Land reform, Peasant Congress, Mohammadreza Pahlavi, Ali Amini, Hassan Arsanjani.

Citation: Ghanbarynejad, Z., Saeedinia, H. (2021). Peasants Congress: the Government's Effort to Legitimize the Land Reform of 1962. *Ganjine-ye Asnad*, 31(2), 62-86.

doi: 10.30484/ganj.2021.2668

1. PhD of History, Persian Gulf University, Boshahr, I. R. Iran, (Corresponding Author) ghanbaryzaynab@yahoo.com

2. Associate Professor, Department Of History, Persian Gulf University, Boshahr, I. R. Iran saeedinia@pgu.ac.ir

Copyright © 2021, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«122»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2021.2668

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 2, Summer 2021 | pp: 62 - 86 (25) | Received: 2, Jul. 2019 | Accepted: 15, Dec. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

کنگره دهقانان: تلاش دولت برای مشروعیت بخشیدن به اصلاحات ارضی

زینب قنبری نژاد^۱ | حبیب‌الله سعیدی نیا^۲

چکیده:

هدف: بررسی و تبیین شکل‌گیری کنگره دهقانان در سال ۱۳۴۱ و نتایج آن.

روش/ رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر به روش تاریخی و بر مبنای فن مراجعه به اسناد و مدارک و جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی و توصیفی انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: کنگره دهقانان یک سال بعد از اجرای اصلاحات ارضی، در تهران برگزار شد. در این کنگره دولت برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود، طبقه جدید «دهقان» را پشتوانه حداکثری مناسبی دید تا مشروعیت اصلاحات ارضی را از خود آنان بخواهد؛ هم‌چنین اصلاحاتی را که در دوره‌های قبل به دلیل مخالفت طبقه حاکم مَلَک و اقلیتی از جامعه شهری ناکام مانده بود، این بار با جلب نظر اکثریت طبقه جامعه یعنی طبقه جدید «دهقان» به تصویب ملی برساند.

کلیدواژه: اصلاحات ارضی؛ کنگره دهقانان؛ محمدرضا شاه پهلوی؛ علی امینی؛ حسن ارسنجانی.

استناد: قنبری نژاد، زینب، سعیدی نیا، حبیب‌الله. (۱۴۰۰). کنگره دهقانان: تلاش دولت برای مشروعیت بخشیدن به اصلاحات ارضی. گنجینه اسناد، ۳۱(۲)، ۶۲-۸۶. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱.۲۶۶۸

۱. دکتری تاریخ مطالعات ایران بعد از اسلام،
دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران، (نویسنده
مسئول)

ghanbaryzaynab@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس
بوشهر، بوشهر، ایران

saeedinia@pgu.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۲۲»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۱.۲۶۶۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۰ | صص: ۶۲ - ۸۶ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۴

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

برنامه اصلاحات ارضی یکی از اساسی‌ترین رفرم‌های اجتماعی در طول دوران زمامداری محمدرضاشاه پهلوی بود. تصویب قانون اصلاحات ارضی در شرایطی خاص و متفاوت از دوره‌های گذشته انجام شد. در این زمان علی‌امینی عهده‌دار پست نخست‌وزیری بود. او که با برنامه‌هایی از قبل طراحی شده به قدرت رسیده بود از همان ابتدا شاه را به دلیل «نقص و لغزش» قانون انتخابات وادار کرد تا مجلس را منحل کند. این اقدام موافقت گروه‌های سیاسی بسیاری را - که مخالف انتخابات بودند - جلب کرد و با سیاست‌های امینی همراه ساخت. امینی ۶ ماه بعد از شروع زمامداری‌اش موفق شد بدون حضور مجلس و کسب رأی اعتماد، در آبان‌ماه سال ۱۳۴۰ اختیار موقت تصویب قانون را از شاه بگیرد. این امر محافل سیاسی ایران و طرفداران قانون اساسی مشروطه را آشفته کرد؛ ولی به دلیل موافقت و پشتیبانی شاه، آن‌ها نتوانستند اقدامی علیه نخست‌وزیر انجام دهند. امینی تقریباً یک ماه بعد از کسب این اختیار، مهم‌ترین برنامه دولتش، یعنی اصلاحات ارضی را در ۱۹ دی ۱۳۴۰ تصویب کرد و اجرای آن را به عهده وزیر کشاورزی‌اش حسن ارسنجانی گذاشت. برنامه اصلاحات ارضی در غیاب مجلس به خوبی پیش رفت؛ ولی دولت امینی با وجود مخالفت‌های بسیار و فشار گروه‌های سیاسی برای برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس، زیاد دوام نیاورد و بعد از ۱۵ ماه استعفا داد.

بعد از استعفای امینی اسدالله علم به نخست‌وزیری منصوب شد. او نیز مانند امینی در غیاب مجلس کابینه تشکیل داد و چون از جو سیاسی حاکم بر جامعه آگاه بود، در مصاحبه‌های مطبوعاتی و سخنرانی‌های خود دائماً از اصلاح قانون انتخابات و برگزاری هرچه سریع‌تر انتخابات مجلس صحبت می‌کرد که ظاهراً برای آرام کردن جو سیاسی کشور و خاموش کردن مخالفان بود. در کابینه علم، وزیر کشاورزی (حسن ارسنجانی) هم‌چنان حضور داشت و بدون حادثه‌ای خاص برنامه اصلاحات ارضی را دنبال کرد. تنها مشکل سیاسی مهم در این زمان، مسئله انتخابات و نبود مجلس بود که اقدامات دولت را غیرقانونی و خلاف نظام مشروطه نشان می‌داد و همین موضوع باعث کارشکنی گروه‌های سیاسی مخالف و طبقه متنفذ مَلَک شده بود. باین حال تا یک سال بعد از تصویب قانون، برنامه اصلاحات ارضی در نقاط مختلفی از کشور اجرا شد و بخشی از زارعان نواحی شمال و شمال غربی کشور صاحب زمین شدند. بعد از زمامداری علم، باین‌که او در تقلیل موارد اصلاحات ارضی تلاش‌های زیادی انجام داد و امتیازاتی به مالکان داد، ولی حادثه ۲۲ آبان ۱۳۴۱ در فارس و کشته شدن رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد - که مبنی بر مخالفت مالکان قلمداد شد - دولت را بر آن داشت تا هرچه سریع‌تر برای قانونی‌تر کردن



برنامه اصلاحات ارضی و مشروعیت بخشیدن به آن، اقدامی انجام دهد. کنگره دهقانان ترفندی مناسب بود که دولت یک سال بعد از اجرای اصلاحات ارضی برگزار کرد تا مشروعیت اصلاحات ارضی را از خود دهقانان بخواهد.

اولین کنگره دهقانی در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۴۱ درست یک سال بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی تشکیل شد. این کنگره در اصل «کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی» بود که بعدها عنوان «کنگره ملی دهقانان» گرفت. در این کنگره حدود ۳۷۰۰ نفر از نمایندگان دهقانان به صورت گزینشی حضور داشتند که عموماً اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های تعاونی بودند.

پرسش پژوهش:

حکومت چرا بعد از گذشت یک سال از اجرای اصلاحات ارضی به فکر برگزاری «کنگره ملی دهقانان» افتاد و این کنگره در چه شرایطی برگزار شد؟
فرضیه پژوهش: دولت کنگره ملی دهقانان را برای مشروعیت بخشیدن به اصلاحات ارضی و استفاده از حمایت حداکثری طبقه جدید دهقان در جهت تصویب ملی رفورم‌های اقتصادی و اجتماعی برگزار کرد.

پیشینه پژوهش

درباره کنگره دهقانان در بعضی از منابع مربوط به اصلاحات ارضی و یا مطالعات روستایی مطالبی به صورت پراکنده ذکر شده است؛ از جمله در کتاب *اصلاحات ارضی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۴۵* اثر آن لمتون؛ *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*، اثر عبدالعلی لهسایی‌زاده؛ *جامعه دهقانی در ایران* اثر خسرو خسروی؛ و *مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران* اثر باقر مؤمنی. ولی تاکنون تحقیقی که به طور مستقل به این موضوع پردازد و جوانب آن را بررسی کند انجام نشده است.

۲. زمینه‌های شکل‌گیری کنگره دهقانان

۲.۱. انتخابات مجلس بیستم

یکی از مهم‌ترین رویدادهای آغاز دهه ۱۳۴۰، انتخابات دور بیستم مجلس شورای ملی بود. این انتخابات که در تابستان ۱۳۳۹ برگزار شد، سرنوشتی کاملاً متفاوت با دوره‌های قبلی خود داشت. شاه پیش از برگزاری انتخابات برای این‌که به حکومت خود جنبه دمکراتیک

بدهد، دو حزب «ملیون» و «مردم» را به رهبری اقبال و علم تشکیل داد و در مصاحبه‌های خود نیز برگزاری انتخاباتی کاملاً آزاد را وعده داد و اعلام کرد خبرنگاران خارجی هم می‌توانند به ایران بیایند و از انتخابات گزارش تهیه کنند (کاتم، ۱۳۷۱، ص ۳۷۶). در این فضای به‌ظاهر آزاد که به دلیل انتخابات شکل گرفت، گروهی مستقل به رهبری سیدجعفر بهبهانی، دکتر امینی و بقایای جبهه ملی - که تجدید حیات کرده بود - وارد صحنه رقابت شد (ابراهامیان، ۱۳۸۶، ص ۵۱۹). ولی اقبال که موقعیت خود را در خطر می‌دید، با تهدید و فشار و تقلب علنی، این انتخابات را نیز مانند دوره‌های گذشته - برخلاف شعار شاه مبنی بر آزادی انتخابات - به صورت کاملاً نمایشی درآورد. مداخله شدید دولت در جریان این مرحله از انتخابات و حضور ارتش و نیروهای امنیتی در آن موجب برخورد شدید و خشم مردم و تعطیلی بازار در بعضی از نقاط کشور شد (دکتر علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

این انتخابات با اجازه شاه پوشش خبری گسترده‌ای داشت و خبرگزاری‌های خارجی اخبار آن را بدون سانسور و آشکارا منتشر کردند. شاه که از شرایط انتخابات، تقلب و تخلفات آن مطلع بود، این بار در شرایطی خاص قرار گرفت و برای حفظ آبروی خود در مجامع بین‌المللی، به ناچار دستور متوقف کردن انتخابات را صادر کرد. شاه از اقبال خواست استعفا کند و به دنبال کناره‌گیری او، از نمایندگان منتخب مجلس هم خواست استعفا دهند و بدین ترتیب مجلس دور بیستم منحل شد (توکلی، ۱۳۷۷، ص ۹۳). شاه بلافاصله شریف‌امامی را فراخواند و از او خواست کابینه تشکیل دهد و مقدمات انتخابات مجدد را فراهم کند (دکتر علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹، صص ۲۳-۲۵).

شریف‌امامی انتخابات مجدد را در ۲۰ بهمن ۱۳۳۹ برگزار کرد؛ ولی این انتخابات هم - با وجود استقبال نکردن مردم - نتوانست خود را از تخلف و تقلب مصون دارد. گروه‌های مختلف مجدداً به این انتخابات هم اعتراض کردند؛ مثلاً جبهه ملی با شواهد و مدارک مستدل بر تقلب در انتخابات به دادگستری شکایت کرد (توکلی، ۱۳۷۷، صص ۹۴-۹۵). از دیگر شاکیان سرسخت انتخابات علی امینی بود که با برنامه کاری تبلیغاتی جامعی که در روزنامه هم منتشر کرده بود، به مخالفت با انتخابات پرداخت (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۵)؛ ولی دولت با توجه به اوضاع آشفته، به اعتراضات توجهی نکرد و مجلس بیستم را تشکیل داد (توکلی، ۱۳۷۷، صص ۹۴-۹۵؛ لاجوردی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶). تشکیل مجلس بیستم، با تشدید اعتصابات و شورش‌های خیابانی مواجه شد. در درگیری‌های رخ داده بعد از اعتصاب معلمان یکی از معلمان کشته شد و این موضوع باعث آشفته‌گی بیشتر اوضاع شد. شاه در این شرایط بسیار مضطرب شده بود و تحت فشار داخلی و خارجی



برای اجرای اصلاحات اجتماعی علی امینی را برای پیشنهاد پست نخست‌وزیری به دربار احضار کرد (توکلی، ۱۳۷۷، صص ۹۷-۱۰۰).

۲.۲. نخست‌وزیری امینی و انحلال مجلس

امینی مدت‌ها منتظر پست نخست‌وزیری بود و زمانی که به دربار فراخوانده شد، تمام سعی خود را کرد تا نظر موافق شاه را جلب کند. او در همان آغاز اعلام کرد که طبق قانون اساسی مشروطه نخست‌وزیری هرکس به رأی اعتماد مجلس و فرمان شاهانه منوط است؛ ولی آغاز کار علی امینی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ با جنجال بسیاری همراه شد. او برخلاف اظهارت خود نزد شاه و کسب رأی اعتماد از مجلس، در همان ابتدا انحلال مجلس را از شاه خواستار شد. او شاه را به دلیل «نقص و لغزش» قانون انتخابات و اداری کرد تا مجلس را منحل کند (امینی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۱). امینی برای کار خود دو دلیل داشت، یکی این که انتخابات مجلسی که طی دو مرحله در زمان اقبال و شریف‌امامی برگزار شده بود، مورد انتقاد شدید جناح‌های سیاسی، روشن‌فکران، روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی و خود او قرار داشت. دلیل دوم امینی هم برای انحلال مجلس ترکیب مجلس بود؛ مجلسی که همه نمایندگان آن، نماینده و حافظ منافع گروه اقلیتی از افراد جامعه بود، چگونه می‌توانست رفورم‌های اجتماعی خود را عملی کند و به لوایح خود جنبه قانونی بدهد. بنابراین امینی از امتیازات کسب‌شده شاه در سال ۱۳۲۷ مبنی بر قدرت انحلال مجلسین استفاده کرد و شاه را وادار کرد تا مجلس را منحل کند (مدنی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۷۸).

۲.۳. درگیری امینی با جبهه ملی بر سر برگزاری انتخابات

اقدامات ضرب‌الاجلی امینی و نداشتن هیچ برنامه‌ای برای برگزاری انتخابات، هم‌چنین بیان این مسئله در سخنرانی‌هایش که اظهار می‌کرد: «فعلاً مجلس مزاحم و وکلای متوقع و مغرض و موی دماغ نمی‌خواهیم» (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۱۸، ص ۲)، موجب درگیری او با گروه‌های سیاسی مخالف و از همه مهم‌تر جبهه ملی شد. شاه در ۲۴ آبان ۱۳۴۰ فرمان اختیار موقت تصویب قانون را به امینی داد. این فرمان واکنش شدید جبهه ملی و دیگر گروه‌های سیاسی را به همراه داشت. جبهه ملی در بیانیه‌ای با عنوان «بازگشت استبداد پس از گذشت ۵۵ سال از اعطای آن^۲» از اجازه‌ای که شاه به امینی برای تصویب قوانین در قالب اختیارات داده بود، انتقاد کرد و آن را با قانون اساسی معارض دانست و یادآور شد که به موجب اصول قانون اساسی تمام قوانین باید به تصویب پارلمان برسد (کیهان، ۱۳۴۰/۲/۳۰، ص ۱۳).

۱. بعد از حادثه ترور ناموفق شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۳۷، شاه در ۵ اسفند همان سال با تغییر در قانون اساسی قدرت انحلال مجلسین را به دست آورد.
۲. منظور از اعطای آن، اعطای قانون اساسی و مجلس در زمان مشروطه است.

«طبق اصل ۴۸ قانون اساسی که مجوز انحلال مجلس است، در هر مورد که مجلسین یا یکی از آنها به موجب فرمان شاه منحل شد، باید در همان فرمان انحلال، علت انحلال ذکر شود و امر به تجدید انتخابات نیز صادر شود. انتخابات جدید در یک ماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور منعقد گردد» (کیهان، ۱۳۴۰/۲/۳۰، ص ۱۳). البته در دولت امینی برخلاف نص صریح قانون، به تجدید انتخابات و تاریخ آن اشاره‌ای نشده بود. نقطه قوت امینی در این جریان این بود که فرمان انحلال مجلس در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ با توجیه «نقص و لغزش» قانون انتخابات تبیین و صادر شد و تصریح می‌کرد که دولت با اصلاح قانون انتخابات، انتخابات مجلس شورای ملی را تجدید کند (امینی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۱). از طرف دیگر، با وجود مشکلات و موانع متعدد در اجرای اصلاحات ارضی، اصلاح قانون انتخابات در برنامه‌های دولت امینی اولویت نداشت. او انتخابات جدید را در آن مقطع اصلاً صلاح نمی‌دانست؛ زیرا اطمینان نداشت که بتواند در آن شرایط از اعمال نفوذ صاحبان قدرت در انتخابات جلوگیری کند و انتخاباتی سالم‌تر از اقبال و شریف‌امامی برگزار کند (امینی، ۱۳۸۸، صص ۴۰۱-۴۰۲).

۲.۴. سقوط امینی و نخست‌وزیری علم

دولت امینی که توانسته بود در غیاب مجلس و تنها با کسب اختیار موقت تصویب قانون، بسیاری از برنامه‌های اجتماعی خود، به‌ویژه اصلاحات ارضی را اجرا کند، به‌دلیل کارشکنی مخالفان و حسادت شاه به محبوبیت نخست‌وزیر بین طبقه دهقان، چندان دوام نیاورد. او برای مقابله با دسیسه‌های مخالفان درصدد برآمد امتیازاتی از شاه کسب کند و مانند مصدق از ترفند استعفا برای کسب امتیاز استفاده کرد؛ ولی محاسبات او اشتباه از آب درآمد و شاه که هیچ‌گاه به او اعتماد و حسن نیت نداشت خواهسته‌هایش را نپذیرفت و با استعفایش موافقت کرد (ابراهامیان، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶). امینی جمعاً پانزده ماه بر سر کار بود و در تمام مدت حکومتش با جدیت تمام برنامه اصلاحات ارضی را پی‌گیری کرد و پیش برد.

شاه بعد از امینی اسدالله علم را به نخست‌وزیری منصوب کرد. علم نیز مانند امینی از ملاکان بزرگ بود. علم در ۲۹ تیر ۱۳۴۱ نخست‌وزیر شد. او از همان آغاز کار و برای آرام کردن جو متشنج سیاسی مخالفان، در تمام سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مطبوعاتی وعده می‌داد که هرچه سریع‌تر انتخابات مجلس شورای ملی را برگزار می‌کند و اعلام کرد که دولت درصدد است قانون انتخابات را برای جلوگیری از تقلب و تخلفات انتخاباتی



اصلاح کند (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۲/۲۸، ص ۱۷). در این مدت، شاه هم که با کنار زدن امینی، مسئولیت اجرای اصلاحات را خود شخصاً به عهده گرفته بود، به شدت درگیر و سرگرم اصلاحات ارضی، دیدار از روستاهای کشور و اعطای اسناد مالکیت روستائیان بود.

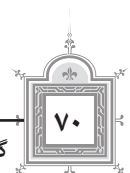
۳. درگیری‌های ملاکان و زارعان پیش از تشکیل کنگره دهقانان

از زمان شروع اصلاحات ارضی تا چند ماه ابتدایی نخست‌وزیری علم‌حادثه‌ای خاص که روند اصلاحات ارضی را کند یا متوقف کند رخ نداد. فقط تا اوایل آبان سال ۱۳۴۱ تنها در مناطقی که اصلاحات انجام شده و یا اعلام شده بود، درگیری‌های کوچکی میان ملاکان و زارعان رخ داد که در شورشی‌ترین حالت آن با دخالت ژاندارمری به سرعت فروکش کرد. حالت این درگیری‌ها به این صورت بود که در بعضی از روستاها زارعان با مالک درگیر شده بودند و او را از روستا بیرون کرده بودند و یا مالک روستائیان را از ملک خودش بیرون رانده بود. مثلاً در لاهیجان و هم‌چنین در یکی از روستاهای مراغه، ملاک روستائیان را از ده خودش اخراج کرد و روستائیان بی‌پناه برای اعتراض در تلگراف‌خانه مراغه و لاهیجان متحصن شدند (کیهان، ۱۳۴۱/۹/۱۷، ص ۵). یا اتفاقی که بعد از انتشار آگهی نوبتی قانون اصلاحات ارضی در مرودشت و زرقان فارس، در روستای «مراگلو» از توابع زرقان رخ داد؛ بدین‌نحو که زارعان این روستا مالک را از روستا اخراج کردند و با برگزاری جشن و قربانی کردن گوسفند تصمیم گرفتند روستا را به‌طور عادلانه بین خود تقسیم کنند (کیهان، ۱۳۴۱/۷/۲۸، ص ۱۶). از اتفاقات مشابه دیگر، قیام‌های دسته‌جمعی دهقانان بود؛ مانند شورش دهقانی در دهات اصفهان. در این شورش دهقانان روستای «رهنان» و دهات اطراف، تأسیسات آبیاری و باغ شخصی «مهرابی» مالک محل را که شهردار همایون‌شهر اصفهان هم بود به کلی تخریب کردند. آن‌ها با بیل و کلنگ چاه آب مالک را پر کردند و با دستگاه اکسیژنی که همراه داشتند، موتور چاه را منفجر کردند. آن‌ها دلیل این کار خود را این‌گونه بیان کردند که چون چاه ۳۰۰ متری مالک باعث خشکیدن آب قنات آن‌ها شده‌است، دچار خشک‌سالی شده‌اند (کیهان، ۱۳۴۱/۵/۲۹، ص ۲). درگیری شدیدتر در روستای «زیان» در ۴۰ کیلومتری همدان بود. در این درگیری مالک روستا «علی‌قلی میرزا دولت‌شاهی» آب را به روی زارعان قطع کرد و به دنبال این جریان، بین مالک و پسرانش با زارعان درگیری شدیدی رخ داد که موجب تیراندازی پسران مالک به روی زارعان و کشته شدن چهار تن از زارعان شد. در این حادثه زارعان به شدت تحریک شدند و با بیل و کلنگ به جان مالک افتادند و او را به قتل رساندند (کیهان، ۱۳۴۱/۷/۹، ص ۱۶). این اتفاقات که در گوشه و کنار در ارتباط با اصلاحات ارضی رخ می‌داد، در ابتدا برای

دولت چندان اهمیتی نداشت و اصولاً شخص شاه هم در جریان قرار نداشت. طبقه مالک مخالف اصلاحات ارضی در این زمان با گروه‌های سیاسی منتقد دولت همراه بود؛ آن‌ها دائماً در سخنرانی‌ها و نشریات خود غیرقانونی بودن این برنامه و نبود مجلس را به دولت گوشزد می‌کردند. آن‌ها برنامه اصلاحات را بدون پشتوانه سیاسی و اقتصادی قلمداد می‌کردند یا آن را برنامه‌ای کمونیستی می‌خواندند و از این طریق در صدد بودند مردم و طبقه روحانیت را تحریک کنند. از طرف دیگر طبقه مالک مخالف امیدوار بود که با تغییر دولت، این قانون نیز لغو شود و همه چیز به حالت قبل برگردد. زمانی که علم به قدرت رسید بسیاری از مالکان امیدوار بودند که این برنامه به دلیل غیرقانونی بودن لغو شود. علم هم هرچند در آغاز با تقلیل مواد قانون اصلاحات ارضی چراغ سبزی‌هایی به مالکان نشان داد، ولی مجری قانون اصلاحات ارضی یعنی ارسنجان‌ی وزیر کشاورزی را هم چنان در پست خود ابقا کرد (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۲/۲۸، ص ۱۷).

حادثه مهم و دل‌خراش در ارتباط مستقیم با مخالفت مالکان با اصلاحات ارضی، چهار ماه بعد از نخست‌وزیری علم و ظاهراً زمانی که مالکان از برگزاری انتخابات و لغو شدن اصلاحات ارضی ناامید شدند، در ۲۲ آبان ۱۳۴۱ در فارس رخ داد. در این حادثه ملک عابدی رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد به طرزی مشکوک کشته شد (اطلاعات، ۱۳۴۱/۸/۲۳، ص ۱۷). قتل ملک عابدی فرصتی مناسب برای دولت ایجاد کرد تا با بزرگ‌نمایی و محکوم کردن مالکان جنوب از آن بهره‌برداری سیاسی کند. در فاصله میان تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۱۴ و لغو آن در تاریخ ۱۳۴۱/۹/۸ که شکستی سیاسی برای شاه و دولت علم محسوب می‌شد تا تاریخ ۱۳۴۱/۱۰/۱۹ در کنگره دهقانان که فراندوم لوایح شش‌گانه اعلام شد، رژیم با طرح و بزرگ‌نمایی قتل رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد، به تبلیغاتی جنجالی دست زد که دامنه آن به مطبوعات و جراید خارجی نیز کشیده شد (پارس، ۱۳۴۱/۸/۲۳ صص ۱-۲؛ خاطرات پانزده خرداد شیراز، ۱۳۷۵، دفتر دوم، صص ۲۶۶-۲۶۷).

بعد از این جریان که دولت توانست بیشتر مالکان را مرعوب سازد، برای راضی کردن طبقه متوسط شهری (مخالفان اجتماعی) (پارسا، بی تا، ص ۲۲) و به نوعی مشروعیت بخشیدن به این قانون، با شعار این که «راه اصلاحات ارضی بازگشت ندارد» (اطلاعات، ۱۳۴۱/۸/۲۶) در تدارک کنگره‌های برآمد که نمایندگان آن دیگر اقلیت طبقات جامعه یعنی مالکان و طبقه بورژوازی شهری نبود، بلکه طبقه‌ای جدید بود که با الغای کامل رژیم ارباب‌رعیتی تشکیل شده بود و حائز اکثریت افراد جامعه هم بود. در این کنگره که به قول امینی «مجلسی برای قانون‌گذاری» بود (توکلی، ۱۳۷۷، ص ۱۸)، نمایندگان طبقه جدید (دهقانان)، رعیت‌های



آزادشده از قیدوبند نظام ارباب‌رعیتی بودند که قرار بود در این کنگره و جلسات متعدد آن توجیه شوند و به اصلاحات ارضی و لوایح دیگری که در جهت حفظ منافع نظام شاهنشاهی تنظیم شده بود، رأی مثبت بدهند.

۴. تشکیل کنگره دهقانان

از زمان تصویب اصلاحات ارضی در ۱۹ دی ۱۳۴۰ تا تشکیل کنگره دهقانی درست یک سال بعد از آن، نه در زمان امینی و نه در ماه‌های ابتدایی نخست‌وزیری علم، سخنی از تشکیل کنگره و اجتماع دهقانی برای توجیه و آشنایی با شیوه‌های جدید کشاورزی و آموزش دهقانان نبود. بعد از حوادث رخ داده، در زمانی که پایه‌های رژیم ارباب‌رعیتی تا حدودی متزلزل شده بود، دولت این کنگره یا به قول ارسنجانی «کنوپراتیوها» را برگزار کرد تا آخرین میخ بر تابوت فئودالیسم ایران باشد (امینی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۹).

کنگره دهقانان در اصل «کنگره ملی شرکت‌های تعاونی روستایی» نام داشت (مؤمنی، ۱۳۵۹، ص ۲۷۵). این کنگره را اولین بار دکتر ارسنجانی در اجتماع ۷۵۰ نفری از اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های تعاونی گیلان و شهنسوار در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۴۱ مطرح کرد. ارسنجانی در این سخنرانی تعریفی جدید از شرکت تعاونی بیان کرد و وعده داد در کنگره‌ای که از روز ۱۹ دی در تهران برگزار می‌شود، کارکرد و اهداف جدید شرکت‌های تعاونی برای کشاورزان توجیه شود. در این جلسه ارسنجانی برنامه‌های پیش از تشکیل کنگره را هم اعلام کرد. این برنامه‌ها عبارت بودند از: ۱- تأمین احتیاجات تولیدی اعضای شرکت‌های تعاونی برای افزایش درآمد؛ ۲- تأمین احتیاجات فردی کشاورزان به قیمت ارزان؛ ۳- دادن اعتبار به زارعان؛ ۴- قیمت‌گذاری محصولات فلاحتی در کمیسیون مخصوص (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۱۶، ص ۱۳).

در این جلسه ارسنجانی به کشاورزان وعده داد که شاه در کنگره ۱۹ دی الغای رژیم ارباب‌رعیتی را رسماً از طرف دولت اعلام خواهد کرد و به ادارات دستور داده خواهد شد که کلمه رعیت را از مکاتبات خود حذف کنند. او هم‌چنین بیان کرد که اعضای کنگره در چهار کمیسیون به مسائلی نظیر، سیاست آینده کشاورزی کشور، اعتبارات کشاورزی، تشکیل بانک مرکزی تعاونی، روابط شهر و ده و نظارت بر قیمت‌ها خواهند پرداخت تا محصولات ده بدون دخالت واسطه‌ها - که سبب گرانی نرخ‌ها شده است - به شهر برسد و محصولات صنعتی شهرها با بهای عادلانه در اختیار زارعان قرار گیرد. او هم‌چنین اظهار کرد، در کنگره نمایندگان اتاق بازرگانی تهران «علی اکبر خسروشاهی» و «محمد قریشی» به عنوان اعضای ثابت و «علی اصغر پیرزاد»، «علی خوئی» و «ابوالحسن چای‌چیان» به عنوان

۱. کنوپراتیو: تعاونی

ناظر از طرف اتاق بازرگانی در جلسات کنگره شرکت تعاونی حضور خواهند داشت (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۱۶، ص ۱۳).

برنامه کنگره کاملاً برنامه‌ریزی شده بود و تا قبل از موعد، ۳۷۰۰ دهقان مدنظر در ۱۸ دی در سلطنت آباد تهران جمع شدند. ارسنجانی در این روز هم به میان کشاورزان رفت و از آنان استقبال کرد و با سخنرانی‌های مهیج خود باعث هیجان و شوق فزاینده آنان شد. ارسنجانی اعلام کرد: «امروز زنجیر اسارت از پای دهقان ایرانی باز شده است. ما باید ثابت کنیم که دهقان ایرانی قادر است خود و زراعت مملکت را اداره کند. از فردا که اولین کنگره دهقانی تشکیل می‌شود، چشم تمام مردم مملکت و نمایندگان سیاسی خارجی به سوی شماست. بعد از گذشت یک سال از اجرای قانون اصلاحات ارضی، همه تلاش دولت در این بود که ثابت کنیم دهقان ایرانی صاحب لیاقت و هوش است و قادر است خود را اداره کند و احتیاج به ارباب‌بالاسر ندارد. باید رژیم ارباب‌رعیتی نابود و مضمحل شود. مخالفین قانون و منفی‌باف‌ها و ملاکان بزرگ به‌خصوص در ماه‌های اخیر می‌خواستند ثابت کنند، حالا که زنجیر اسارت از پای دهقان ایرانی باز شده است، دهقان قادر به ادامه زراعت نیست و محصول امسال کم خواهد شد. آن‌ها با این حرف‌ها می‌خواستند روحیه کشاورزان را تضعیف کنند» (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۱۸، ص ۱۳). ارسنجانی در این جلسه کشاورزان را توجیه کرد که اقدامی نکنند و چیزی نگویند که مورد ریشخند ملاکان و دیگر گروه‌های مخالف شوند. از افزایش محصول خود و بالارفتن سطح زیر کشت، آزادی و رهایی خود سخن بگویند.

ظاهراً ارسنجانی این سخنان را به دهقانان یادآوری می‌کرد که فردای آن روز که قرار بود کنگره با سخنرانی شاه آغاز شود، برای خوشامدگویی شاه ابراز کنند. او هم چنین در این جلسه از مسائل و مشکلات مأموران اصلاحات و سخت‌کوشی آنان سخن گفت. این که در مراغه به سوی هیئت دوازده نفری اعزامی سنگ پرتاب کرده‌اند و دنبال آن‌ها سنگ آزاد کرده‌اند و یا مأموری تمام درآمد خود را قرص و دارو خریده است تا به‌عنوان طبیب بتواند وارد روستا شود (خواندنی‌ها، ۱۳۴۱/۱۱/۲، ش ۳۶، صص ۹-۱۱). ارسنجانی به دهقانان گفت که مأموران ما در این راه خالصانه تلاش کرده‌اند تا بتوانند جمعیت حداکثری جامعه را از قید بردگی و بندگی رها کنند و حال نوبت شماست که خود را ثابت کنید. در این جلسه هم چنین هیئت‌رئیس از میان مسن‌ترین افراد انتخاب شد. عنایت منالو ۹۳ ساله رئیس، حاجی محمدصادق ۹۰ ساله و مشهدی سردار ۸۵ ساله نایب‌رئیس و کریم باریج ۸۰ ساله، عضو هیئت‌رئیس انتخاب شدند (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۱۰، ص ۱۳).

در این کنگره علاوه بر ۳۷۰۰ دهقانی که عموماً اعضای هیئت‌مدیره‌های شرکت‌های



تعاونی بودند، هیئت وزیران، مقامات برجسته دولتی، نمایندگان سیاسی خارجی، معاونان و مدیران کل وزارت کشاورزی، رئیس کل سازمان اصلاحات ارضی کشور و اعضای آن به همراه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران جراید داخلی و خارجی با لباس‌های شخصی حضور داشتند (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۰، ص ۱۵).

تمام مقدمات کنگره با تلاش ارسنجانی و مهندسان وزارت کشاورزی و سازمان اصلاحات ارضی آماده و مهیا شد. ارسنجانی این افراد را در جلسه ۱۸ دی به دیگران معرفی کرده بود و از زحمات آنان تشکر و قدردانی کرده بود. کنگره در روز ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ در ساعت ۹ صبح با سخنرانی شاه آغاز شد. این سخنرانی متفاوت از آن چیزی بود که وزیر برای کشاورزان تشریح کرده بود. شاه در این سخنرانی از طرف دولت لویحی را مطرح کرد که جز مورد اول آن که در ارتباط با اصلاحات ارضی و کشاورزان بود بقیه مواردش کاملاً جدید بود و تا آن زمان کسی سخنی از آن موارد بیان نکرده بود. شاه در این جلسه ضمن ابراز خوشحالی از برآورده شدن آرزوی کودکی خود در رسیدگی به امور رعیت، برای خوشامدگویی اعلام کرد که شما دهقانان به نمایندگی حقیقی از اکثریت ملت ایران در این کنگره حضور دارید. امروز ما نه فقط رعیت و کلمه رعیت بلکه خاصیت رعیت را نیز ازین برده‌ایم. امروز شما دهقان آزاد و حاکم بر سرنوشت خود هستید؛ شما «دهقانان گردن‌فراز»، پرامید و مصمم به کار هستید (ساکما، ۴۹۰۴۲-۲۹۷). شاه در ادامه سخنرانی خود نتایج و اهداف اصلاحات ارضی را برای دهقانان شرح داد و اظهار داشت آزادی اکثریت ملت ایران توأم با رفاه حال و آسایش خیال، محدود به بهبود زندگی دهقان ایرانی است که بیشتر تولید کند، بیشتر پول به دست آورد و آن را در راه صحیح صرف کند. به وسیله شرکت‌های تعاونی، وسایل زراعت تهیه کند، با کود شیمیایی آشنا شود و بتواند زراعت خود را کم‌کم مکانیزه کند. تولید زیادی به ثروت اضافی کمک خواهد کرد، به رونق کارخانه‌جات و صنعت نیز کمک خواهد کرد. صنعت که رونق یافت و بازار بیشتری پیدا کرد، وضع کارگران هم بهتر می‌شود و درآمدشان بیشتر می‌شود و قدرت خریدشان افزایش می‌یابد. شاه در ادامه اظهار داشت، قدرت خرید دو طبقه کارگر و کشاورز که افزایش یابد، طبقه جدیدی رشد می‌کند که وظیفه‌اش فراهم کردن وسایل و خدمات موردنیاز این دو طبقه و یا واسطه‌ای در انجام امور است. این طبقه جدید اصناف و پیشه‌وران بودند. از نظر شاه زندگی این دو طبقه از رونق زندگی کشاورزی و کارگری رونق می‌یافت و رشد می‌کرد. شاه رشد و رونق کار این طبقات را موجب سرایت آن به کل طبقات جامعه می‌دانست و این‌که ادامه این روند، صنعتی شدن و رشد کشور خواهد بود (ساکما، ۴۹۰۴۲-۲۹۷).

شاه با خطاب کردن شرکت‌کنندگان بانام «آزادمردان و آزادنان» (ساکما، ۱۱۸۸۵۴-)

۲۹۳) درباره لوایح مفید و قانونی خود به دولت‌های گذشته نیز بیان کرد، از طریق پیشنهاد و سفارش به مجلسین لوایحی در جهت اصلاحات اجتماعی پیشنهاد داده‌است که دولت‌ها به این لوایح که در جهت ارتقاء ملت و پاک کردن دستگاه‌های مملکتی از فساد بود توجهی نداشته‌اند و این لوایح را به صورت قوانینی درآورده‌اند که عموماً به ضرر مردم و نفع عده‌ای منتفذ تمام شده‌است؛ مانند تصویب لایحه اصلاحات ارضی در ۱۳۳۹ که فقط در جهت حفظ منافع تصویب‌کنندگان قانون یا گروهی منتفذ در خارج از مجلس بود. شاه در این سخنرانی که مانند نوعی اعتراف به اقدامات و اهدافش بود، درباره تقسیم املاک موروثی‌اش در سال ۱۳۲۹ هم ابراز کرد که این کار انجام شد تا ملاکان بزرگ سرمشق بگیرند و آن را ادامه دهند؛ ولی آن‌ها در برابر این کار ایستادگی کردند و مانع تداوم آن شدند (پارس، ۱۳۴۱/۱۰/۲۰، ص ۷؛ پهلوی، ۱۳۴۵، ص ۱۹).

شاه هدفش از تشکیل احزاب اکثریت و اقلیت در دور بیستم مجلس را هم این‌گونه شرح داد که می‌خواسته‌است با تشکیل گروه‌های حزبی در مجلس، پشتیبانانی برای افکار و پیشنهادهای اصلاحی خود فراهم کند که این کار هم با کارشکنی مخالفان به نتیجه نرسیده‌است. او در این سخنرانی به‌طور کامل به انتخابات مجلس بیستم و شرایط آن پرداخت و تجدید و درنهایت انحلال آن را نمونه‌ای از نارسایی قانون انتخابات و نبود امکان اظهار نظر حقیقی و آزاد اکثریت مردم مملکت دانست. او اعلام کرد، مجموعه این غرض‌ورزی‌ها و بی‌اعتنایی‌ها به مصالح مملکت او را بر آن داشت تا برای انجام اصلاحات لازم و اساسی دولتی تازه را با اختیارات بیشتر مأمور کند و شرط دولت در انحلال مجلسین را بپذیرد. تأکید در اصلاح قانون انتخابات مندرج در فرمان انحلال که مبنی بر رعایت اصل دوم قانون اساسی بود، اعلام می‌داشت که مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند. شاه معتقد بود که اجرای این اصل تا آن زمان متوقف مانده بود؛ زیرا وجود نظام ارباب‌رعیتی در دهات کشور - که ۷۵ درصد مردم را شامل می‌شد - و نبود کارت الکترا که جلوی تقلبات را بگیرد مانع از رأی آزاد ۷۵ درصدی مردم کشور بود. او هم‌چنین اظهار کرد، قانون انتخاباتی که با توجه به نظام اجتماعی و اقتصادی زمان تصویب شده بود، عملاً مردم واقعی ایران را از حق رأی آزاد و مملکت را از دموکراسی - که حکومت آراء اکثریت مردم است - محروم ساخته بود (ساکما، ۱۱۸۸۵۴-۲۹۳؛ پارس، ۱۳۴۱/۱۰/۲۰، ص ۷).

شاه در پایان سخنرانی طولانی‌اش بعد از توجیه اقدامات خود و دولت اعلام کرد به دولت جدید دستورالعملی شش‌ماده‌ای در زمینه سلسله اقدامات عمیق اجتماعی داده‌است که نظام اجتماعی کهن ایران را دگرگون خواهد کرد. شاه اساس این لوایح را لایحه اصلاحی



قانون اصلاحات ارضی و ملحقات آن اعلام کرد که در سراسر کشور در حال اجرا است و به شانزده میلیون ایرانی، حق حیات اجتماعی بخشیده است. لایحه دوم در ارتباط با طبقه روستایی و عشایر، ملی کردن جنگل‌ها و مراتع بود. لایحه سوم تبدیل کارخانه‌های دولتی به شرکت‌های سهامی و فروش سهام آن‌ها برای تضمین اصلاحات بود. لایحه چهارم مشارکت کارگران در سود خالص کارخانه‌ها بود. لایحه پنجم تجدیدنظر اساسی در قانون انتخابات با هدف اعطای حقوق کامل و برابر سیاسی به زنان بود و آخرین لایحه (لایحه ششم) ایجاد سپاه دانش با هدف سوادآموزی و اشاعه فرهنگ در روستاها بود (ساکما، ۴۹۰۴۲-۲۹۷).

شاه در این سخنرانی انجام این اصلاحات را زیربنای ایران نوین برپایه جامعه آزاد و دمکرات و مترقی دانست. او اعلام کرد، برای آنکه هیچ قدرتی در آینده نتواند رژیم بردگی دهقانان را از نو در مملکت مستقر کند و ثروت‌های ملی به تاراج جماعتی قلیل نرود، وظیفه خود دانسته است به عنوان رئیس قوای سه‌گانه مملکتی و براساس اصل ۲۷ قانون اساسی و استناد به اصل ۲۶ متمم قانون اساسی - که قدرت مملکت را ناشی از مردم می‌داند - مستقیماً به خود مردم رجوع کند و استقرار این اصلاحات را از طریق مراجعه به آراء عمومی، پیش از انتخابات مجلسین از ملت - که حاکم بر مجلسین است - تقاضا کند. شاه اعلام کرده بود، رأی مثبت مردم، حافظ منافع دهقانان، کارگران، کارمندان و اصناف و پیشه‌وران خواهد بود (ساکما، ۱۱۸۸۵۴-۲۹۳).

سخنرانی شاه در آغاز کنگره بسیار هیجان‌انگیز و مشفقانه بود و موجب شور و هیجان بسیار در میان کشاورزان شد و کشاورزان با برخاستن و شعاردادن سخنان شاه را تأیید کردند. کنگره تا ۲۵ دی‌ماه ادامه داشت و جلسات هشت‌گانه آن طی شش روز برگزار شد. در تمام جلسات وزیر کشاورزی به عنوان رئیس جلسه حضور داشت و سخنران اصلی بود. در دومین جلسه کنگره دهقانان، به درخواست ارسنجانی برای احترام به «ملک عابدی» شهید راه اصلاحات ارضی یک دقیقه سکوت کردند. در این جلسه، نمایندگان اتحادیه‌های شورای عالی اصناف و سندیکاهای کارگری ایران و «احمد نفیسی» شهردار تهران نیز حضور داشتند (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۰، ص ۱۳). در ابتدای این جلسه ارسنجانی اعضای کمیسیون‌های شش‌گانه را معرفی و با دهقانان اتمام حجت کرد. او خطاب به نماینده دهقانان اعلام کرد، دهقانان وظیفه دارند تا برای «تثبیت وضع خودشان» به دعوت شاه درباره مواد شش‌گانه اعلام‌شده شرکت کنند و جواب مثبت بدهند. ارسنجانی به دهقانان گفت: شما می‌دانید که تاکنون ثروت کشور در اختیار ۱۵۰ خانواده بود، اجرای قانون اصلاحات ارضی این وضع را عوض کرد، این ۱۵۰ خانواده را

کنار زد و اجازه داد تا مملکت به همه افراد این کشور که زحمت می‌کشند متعلق باشد (پارس، ۱۳۴۱/۱۰/۲۰، ص ۲).

در این جلسه، ارسنجان‌ی ضمن تشکر از حضور نماینده کارگران و اصناف گفت: منافع عمومی مردم شهر و روستا به هم گره خورده و مشترک است. این منافع ایجاب می‌کند که شهر و روستا روابطی صمیمانه داشته باشند. در کشور هیچ‌گاه دهقان و کارگر، آزادی عمل نداشته‌اند؛ در روستا «سایه سیاه مالکان بزرگ» و در شهرها هم همیشه عده‌ای اندک تمام کارها را به دست گرفته‌اند و مانع فعالیت دیگران بوده‌اند. ارسنجان‌ی وعده داد این کنگره با تشکیل شرکت‌های تعاونی موجب روابط بیشتر شهر و روستا و رفع تمامی تبعیضات خواهد شد. شهردار تهران هم در این جلسه سخنرانی کرد. او در ابتدا به نمایندگی از مردم تهران به دهقانان خوشامد گفت و در ادامه به بیان مسائل و مشکلات نظام ارباب‌رعیتی پرداخت و ابراز کرد که شاه با تشکیل کنگره و اعلام لوایح شش‌گانه دین خود را به روستائیان ادا کرده‌است و حال نوبت آن‌هاست که از این فرصت استفاده کنند و به لوایح شاه پاسخ مثبت دهند (پارس، ۱۳۴۱/۱۰/۲۰، ص ۲).

جلسات کنگره به‌طور منظم برگزار شد. هر جلسه در ارتباط با موضوعی بود و در طول جلسات هم کمیسیون‌های تشکیل شده نتایج فعالیت‌های خود را بیان می‌کردند. در این کنگره حدنصاب مالکیت مشخص شد. اعلام شد دهات خرده‌مالکان هم مشمول اصلاحات خواهد شد. درباره فروش و قیمت‌گذاری روی محصولات کشاورزی نیز تصمیماتی اتخاذ شد. در یکی از جلسات، دکتر «حسن زاهدی» مدیرعامل بانک کشاورزی وعده داد، بعد از تشکیل سازمان تعاون مرکزی تا پنج برابر سرمایه آن به آن اعتبار داده شود تا به اعضا وام دهد. اساس نامه سازمان مرکزی شرکت‌های تعاونی قرائت شد و وزیر کشاورزی هم پیشنهاد کرد که تمام سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی به وسیله اتحادیه‌ها در اختیار سازمان مرکزی گذاشته شود. «امیر پرویز» مدیرکل اقتصاد وزارت کشاورزی هم در یکی از جلسات کنگره، درباره چگونگی کاشت و محصولاتی که باید کشت شود و نحوه کشت آن‌ها صحبت کرد. او هم وعده داد که بعد از تشکیل شرکت‌های تعاونی، کود شیمیایی، وسایل شخم‌زدن و روش‌های خوب آبیاری در اختیار کشاورزان قرار خواهد گرفت (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۵، ص ۱۳).

در یکی از جلسات کنگره درباره توجه به صنایع روستایی و احیای آن مذاکره شد. در این جلسه دکتر ارسنجان‌ی با بیان این‌که در اغلب روستاهای ایران کشاورزان سه یا چهار ماه بیکار هستند اعلام کرد تا ترتیبی داده شود تا زمانی که بشود کشت دو بار در سال را فراهم کرد، از صنایع دستی روستایی برای جبران بیکاری کشاورزان استفاده کنند. در این



راستاً قرار شد شرکت سهامی فرش با برنامه‌ای مورد تأیید وزارت کشاورزی کار قالی‌بافی را از شهرها دور و به دهات منتقل کند (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۴، صص ۱۳ و ۱۵). در جلسه روز دوشنبه ۲۴ دی‌ماه نمایندگانی از کشاورزان مناطق مختلف کشور صحبت کردند و به نمایندگی از کشاورزان منطقه خود آمادگی کشاورزان را برای تأیید و تصویب اصول شش‌گانه شاه اعلام کردند. در این جلسه به پیشنهاد «سیدمحمد امیریان»، یکی از دهقانان فیروزآباد، درخواست شد تا به شاه لقب «دادگستر» داده شود (ساکما، ۰۶۷۹۱۴-۲۹۳)؛ ولی شاه در پیامی با تشکر از احساسات اعضای کنگره اعلام کرد لقب را نمی‌پذیرد؛ چون اقداماتش برای رفاه حال دهقانان از روی اعتقاداتش بوده‌است نه برای این که لقبی به او داده شود (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۴، ص ۱۳).

در این جلسه هم‌چنین تصمیم گرفته شد که مؤسسات انحصاری دولت مانند نفت، دخانیات، سازمان‌های چای و کارخانه‌جات قند که سابقاً قراردادهایی با مالکان بسته بودند، در آینده قراردادهای خود را با اتحادیه شرکت‌های تعاونی ببندند. زارعان هم می‌بایست محصولات خود را به مؤسساتی که شرکت‌های تعاونی توصیه می‌کردند بفروشند. هم‌چنین درباره تجدید سازمان کشاورزی صحبت شد و ارسنجانی اظهار داشت که وزارت کشاورزی به‌طور کلی تجدید سازمان شود و به تدریج که سازمان‌های عمران تشکیل شود، ادارات مختلف کشاورزی تحت کنترل سازمان عمران منطقه عمل کنند (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۵، ص ۱۵).

آخرین جلسه کنگره در ۲۵ دی ۱۳۴۱ برگزار شد. در این جلسه ارسنجانی آغاز مرحله دوم اصلاحات ارضی یعنی تقسیم تمام املاک را اعلام کرد و قرار شد از همان تاریخ دیگر رابطه ارباب‌رعیتی وجود نداشته باشد. ارسنجانی اعلام کرد که از این به بعد کارگر کشاورزی داریم ولی هیچ‌کس دیگر برای ارباب کار نخواهد کرد. هم‌چنین شاه طی پیامی اعلام کرد تا ۴۸ ساعت بعد از آن تاریخ اساس مالکیت دهقانی تثبیت شود و این وضعیت در سراسر کشور -چه اصلاحات ارضی اجرا شده باشد و چه در حال اجرا باشد- عملی شود (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۶، ص ۱۵).

ارسنجانی در جلسه آخر قطعنامه کنگره را که در هشت ماده تنظیم شده بود قرائت کرد. مفاد قطعنامه عبارت بودند از: «۱. حفظ و حراست اساس رژیم سلطنت مشروطه ایران و اجرای دستورات خیرخواهانه و ترقی‌خواهانه شاه را دهقانان ایران به‌عهده می‌گیرند و سوگند یاد می‌کنند تا آخرین نفس در راه حفظ اصول قانون اساسی و سلطنت مشروطه ایران فداکاری نمایند. ۲. اعضای کنگره به اتفاق آراء اعلام می‌دارند که رعایت حقوق جهانی بشر و امحاء و الغاء تبعیضات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هرگونه رژیم

بردگی و اسارت اقتصادی دهقانان و سایر هم‌وطنان زحمت‌کش وظیفه اول دولت است و اکنون که شاه پرچم‌دار این مبارزه عظیم انسانی شده‌است، مجالی برای طفره و تعلل در رعایت این حقوق نیست. ۳. اعضای کنگره به اتفاق آراء تأیید نمودند که سعادت آینده ملت و تحکیم مبانی استقلال مملکت و اساس حکومت ملی در ایران مستلزم تجدید ساختمان اقتصادی و اجتماعی ملت ایران به نفع طبقات زحمتکش کشور است؛ و طبق گفته شاه همه ملت ایران باید در سهم خود از مواهب کشور و میهن تاریخی خود منتفع شوند و برای کسب حقوق حقه خویش و دفاع از استقلال وطن در سهم خود جانبازی کنند. ۴. شرکت‌کنندگان در کنگره به اتفاق آراء تصویب نمودند که اتفاق و اتحاد دهقانان تمام نقاط میهن شرط نجات و آزادی دهقانان و عامل اصلی پایه‌ریزی جامعه دهقانی آزاد ایران است. ۵. کنگره به اتفاق آراء به دهقانان اعلام می‌دارد که هرچه زودتر و هرچه بیشتر به شرکت‌های تعاونی بپیوندند و با پرداخت سرمایه زیادتر امکانات جامعه آزاد دهقانی را توسعه بخشند و به سوی بی‌نیازی دهقانان از هرگونه کمک مالی و مادی بشتابند. هم‌چنین کنگره به تمام شرکت‌های تعاونی اعتبار توصیه کرد که هرچه زودتر نوع شرکت‌های خود را تبدیل کنند و به جامعه مقتدر تعاونی روستایی چندجانبه ایران ملحق شوند و بر اقتدارات مالی و معنوی خود و اتحادیه بیفزایند. ۶. اعضای کنگره ملی دهقانان ایران اعلام داشت که سازمان‌های دهقانی باید بر مبنای منافع اقتصادی طبقه دهقانان و کشاورزان کشور پایه‌ریزی شوند؛ بنابراین باید هرگونه تشکیلات ناپایدار سیاسی را که جهت انحراف دهقانان ایران از مقاصد اصلی و اهداف مقدس آنان تظاهر می‌کند از جامعه آزاد وطن خود طرد کنند. ۷. شرکت‌کنندگان در اولین کنگره ملی دهقانان قوانین شش‌گانه‌ای را که شاه در جلسه اول به‌رأی عمومی گذاشتند، متفقاً تأیید و تصویب نموده، شرکت تمام دهقانان را در سراسر کشور به‌منظور دادن رأی موافق به این قوانین - که تثبیت‌کننده آزادی‌ها و حقوق تحصیل‌شده زحمت‌کشان است - وظیفه ملی هر دهقان ایرانی دانسته و از عموم هم‌وطنان تقاضا می‌کند که در این تصویب ملی با دادن رأی موافق شرکت کنند. ۸. کنگره مراتب سپاس‌گزاری خود را از کوشش‌ها و فداکاری بی‌شائبه وزیر کشاورزی در اصلاحات ارضی و توسعه نهضت تعاونی و هم‌چنین از کارکنان وزارت کشاورزی و بانک کشاورزی ایران و کلیه سازمان‌های دولتی که نیروی خود را تا سرحد جانبازی صرف خدمت به جامعه روستایی ایران می‌نمایند، اعلام می‌دارد. در آخر هم از وزیر کشاورزی خواسته شد که برای تحکیم مبانی وحدت ملی و تقویت نیروی مادی و معنوی دهقانان ایران کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی را همه‌ساله تشکیل دهد» (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۶، ص ۱۵).

مفاد قطعنامه بسیار هوشمندانه و متفاوت از آن چیزی که هدف اولیه کنگره بود

قرائت شد. این قطعنامه در تمام مفاد خود بر حفظ و صیانت از نظام شاهنشاهی و حضور شاه به عنوان اساس نظام مشروطه تأکید داشت و تنها در بند پنجم آن درباره شرکت‌های تعاونی و ملحق شدن همه کشاورزان به این شرکت‌ها صحبت شده بود؛ در صورتی که در اصل و همان‌طور که دکتر ارسنجانی در جمع کشاورزان گیلان اعلام کرده بود، کل این کنگره و برنامه‌های آن درباره شرکت‌های تعاونی و آشنا کردن کشاورزان با شیوه‌های جدید کشاورزی بود. در واقع این کنگره برای دولت به مجلسی تبدیل شد که با حضور نماینده دهقانان و کارگران، یعنی نمایندگان اکثریت جامعه، لویحی را که تاکنون از تصویب آن عاجز مانده بود، این بار با جلب نظر عمده اقشار جامعه و دعوت از آنان به شرکت در فرماندوم به تصویب ملی برساند. در طول تمام جلسات کنگره، سخنرانان و مهمانان از اقشار مختلف که به منظور کمیسیون‌های مختلف کشاورزی حضور داشتند، در ابتدای سخنرانی خود بر اصول شش‌گانه شاه تأکید می‌کردند و از دهقانان می‌خواستند که به آن پاسخ مثبت دهند و سپس به موضوع خاص جلسه می‌پرداختند. در بند ششم این قطعنامه هم به طور صریح از دهقانان حاضر به عنوان نماینده طبقه بزرگ جامعه و عموم ملت ایران خواسته شد تا به اصول شش‌گانه شاه رأی مثبت دهند.

این کنگره با برنامه‌های بسیار متنوع و فشرده و سخنرانی‌های متعدد موجب خستگی و ناراحتی بسیاری از دهقانان شرکت‌کننده هم شد؛ با این حال آنان در طول جلسات به سخنرانی‌ها و خود ارسنجانی بسیار ابراز احساسات و توجه نشان دادند و در بین جلسات تعدادی از آنان که دچار هیجان شده بودند به بالای سن رفتند و مصائب و مشکلات خود در نظام ارباب‌رعیتی و تنفر بیش از حدشان از ارباب را بازگو کردند و با ابراز نهایت خوشحالی، از شاه و ارسنجانی تشکر کردند. دهقانان به همراه وزیر در برنامه مصاحبه تلویزیونی هم شرکت کردند. در این مصاحبه ابتدا ارسنجانی گفت: «دهقانان همه باید متحد باشند و به اصول شش‌گانه شاه رأی مثبت بدهند. اگر این اصول رأی نیاورد، باز ممکن است همان ۱۵۰ نفر رأی بیاورند و بگویند تمام این کارهایی که شده باطل است. ارسنجانی اعلام کرد هزارفامیل کدایی و امتیازات آن‌ها با این کنگره از بین رفت. مملکت مال تمام افراد ملت است و اختصاص به هیچ طبقه به خصوص ندارد» (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۰/۲۳، ص ۱). در این مصاحبه دهقانانی از استان‌های مختلف صحبت کردند که همه صحبتشان درباره اجحافات و ظلم اربابانشان بود.

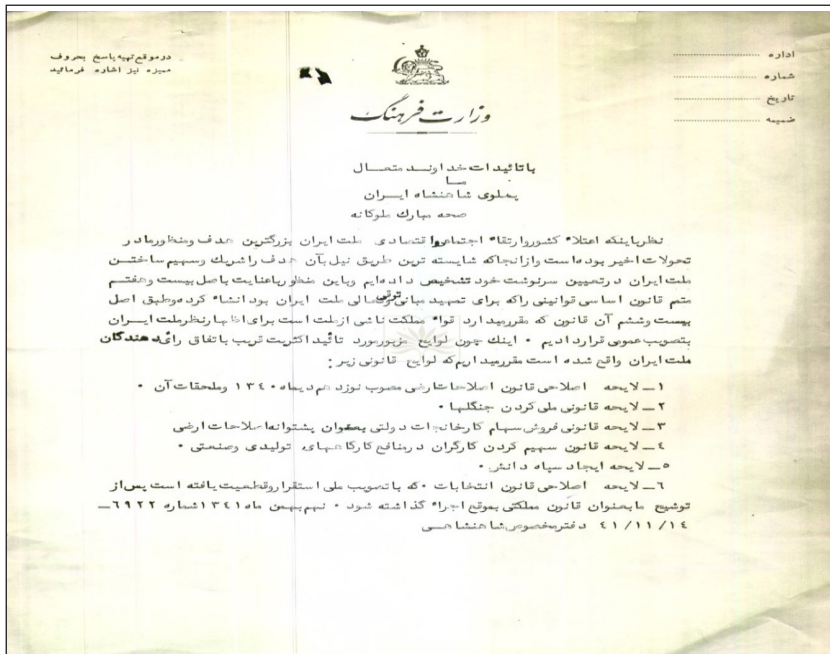
ارسنجانی هم چنین در یکی از مصاحبه‌های خود درباره این کنگره اعلام کرده بود که کار اصلاحات ارضی بدون تشکیل کنگره دهقانی ناقص و ناتمام بود. با تشکیل کنگره، کار اصلاحات تثبیت و راه آن بی‌بازگشت شد و انتظار ملاکان در تغییر دولت و نظر شاه،

به‌پایان رسید. دهقانان شرکت‌کننده هم از تشکیل کنگره بسیار راضی و خشنود بودند و بعضی از آن‌ها اظهار کرده بودند که اصلاً به برنامه اصلاحات ارضی باور نداشتند و نمی‌دانستند که منظور از آن چیست و با تشکیل کنگره از همه‌چیز مطلع شدند (پارس، ۱۳۴۱/۱۰/۲۰).

۵. نتیجه

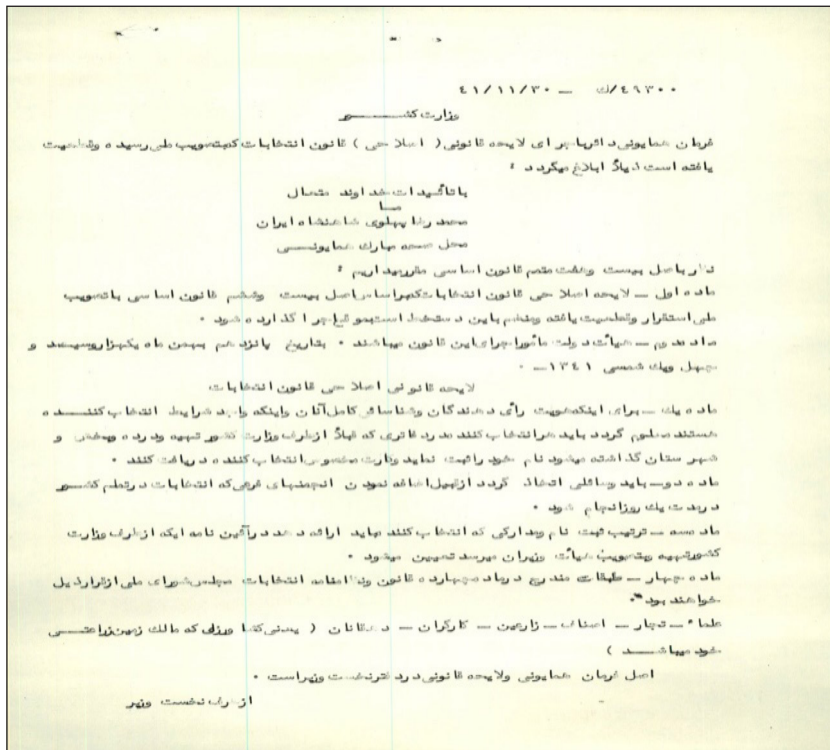
کنگره دهقانان در سال ۱۳۴۱، اولین و آخرین کنگره دهقانی بود که در زمان پهلوی برگزار شد. این کنگره قرار بود کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی باشد و همان‌طور که ارسنجانی وزیر کشاورزی در میان دهقانان گیلان اعلام کرده بود، قرار بود برای توجیه کشاورزان برای تشکیل و گسترش شرکت‌های تعاونی روستایی و دادن اعتبار به کشاورزان تشکیل شود؛ ولی هدف واقعی کنگره از همان ابتدا با سخنرانی متفاوت شاه و اعلام لوایح شش‌گانه مشخص شد. دولت با برنامه‌ای از قبل طراحی شده کنگره شرکت‌های تعاونی را -که بعداً کنگره ملی دهقانان نامیده شد- تشکیل داد تا با جمع کردن نمایندگان طبقه جدید دهقان -که طبقه حداکثری جامعه ایران در آن زمان بود- تصویب قانون اصلاحات ارضی را از خود دهقانان بخواهد. در این کنگره دولت از فرصت استفاده کرد و لویحی را که در گذشته از تصویب آن ناکام مانده بود در کنار اصلاحات ارضی مطرح کرد تا به فراندوم گذاشته شود و به تصویب ملی برسد. در واقع می‌توان گفت کنگره دهقانان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی دولت در آن مقطع زمانی بود که با جلب نظر جامعه دهقانی نه تنها قانون اصلاحات ارضی را به تصویب ملی رساند و مخالفان آن را که دائماً بر غیرقانونی بودنش اصرار داشتند به سکوت وادار کرد، بلکه توانست لویحی را که از تصویبشان ناکام بود (مانند دادن حق رأی به زنان)، در کنار اصلاحات ارضی و در قالب اصول شش‌گانه به تصویب ملی برساند؛ به عبارت دیگر دولت در کنار رسیدگی نسبی به امور طبقه بزرگ دهقانی کشور، از آن در جهت حفظ و صیانت هرچه بیشتر از نظام سلطنت بهره‌برداری سیاسی مناسبی کرد. قطعنامه سیاسی این کنگره هم برخلاف اهداف آن، در جهت حفظ رژیم و اهداف سیاسی آن در تصویب ملی لوایح شش‌گانه بود که از طریق جلب نظر طبقه ۷۵ درصدی جامعه (دهقانان) عملی شد. کنگره توانست باعث تثبیت نهایی اصلاحات ارضی و فروکش کردن تمامی تلاش‌ها و دسیسه‌های مخالفان آن شود. بعد از کنگره اکثر مالکان در تمام نقاط کشور بدون کمترین مقاومتی، داوطلبانه به سازمان اصلاحات ارضی مناطق خود مراجعه کردند و اسناد مالکیتشان را واگذار کردند.





شکل ۳

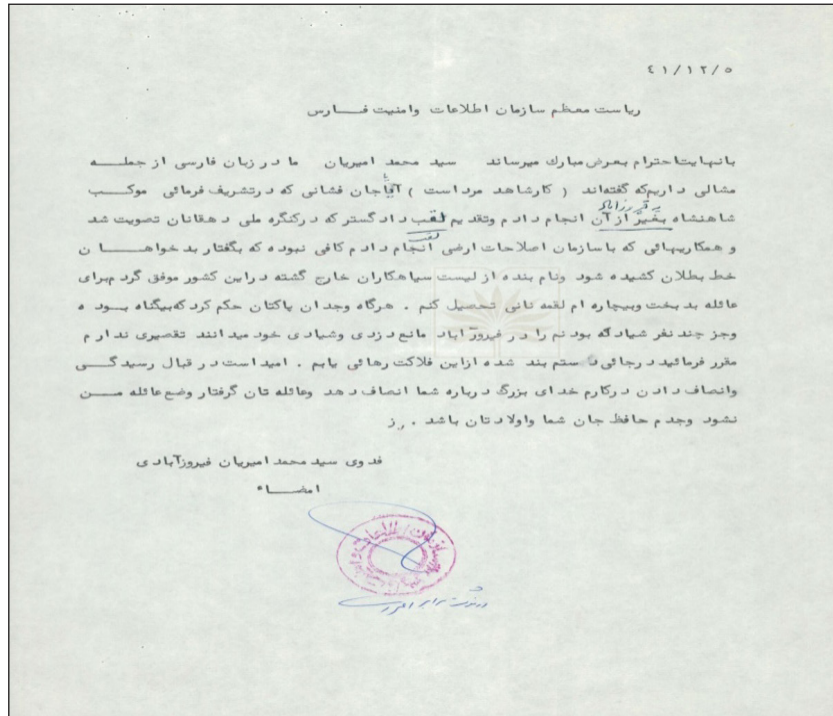
لوایح ششگانه انقلاب شاه و مردم
(ساکه ۴۹۰۴۲-۲۹۷)



شکل ۴

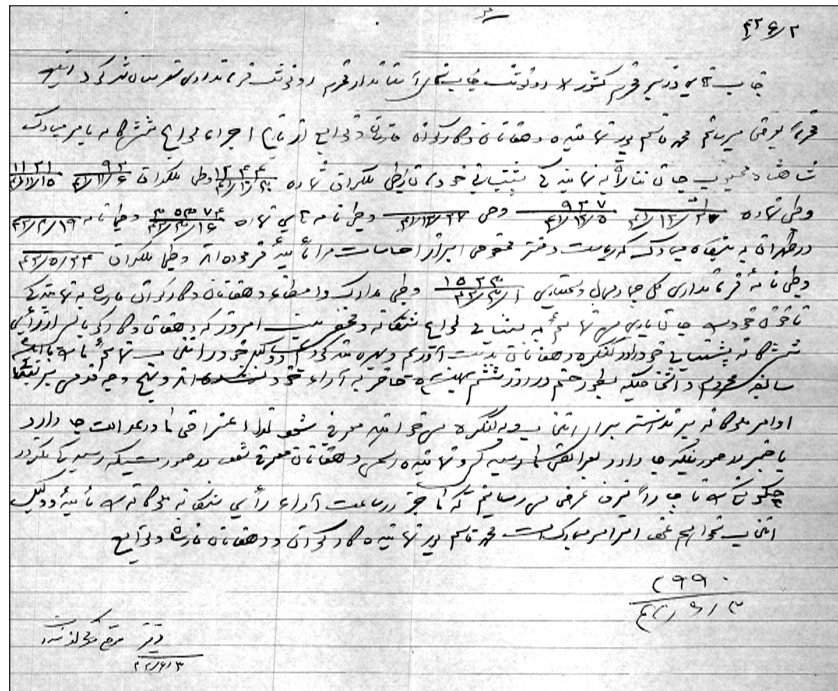
اصلاح قانون انتخابات (ساکه ۴۹۰۴۲-۲۹۷)





شکل ۵

سیدمحمد امیریان در کنگره دهقانان
لقب دادگستر را به شاه پیشنهاد کرد
(ساکه، ۱۴۰۶، ۶۷۹۱۴-۲۹۳).



شکل ۶

ابراز احساسات کشاورزان از برگزاری
کنگره دهقانان و تصویب لوایح
شش‌گانه (ساکه، ۱۱۸۸۵۴-۱۱۸۸۵۴-۲۹۳).

پارس: ۱۳۴۱/۸/۲۳؛ ۱۳۴۱/۱۰/۲۰، ش ۲۶۲۸.

خواندنی‌ها: ۱۳۴۱/۱۱/۲، ش ۳۶.

کیهان: ۱۳۴۰/۲/۳۰، ش ۵۳۶۱؛ ۱۳۴۱/۵/۲۹، ش ۵۷۲۷؛ ۱۳۴۱/۷/۲۸، ش ۵۷۷۹؛ ۱۳۴۱/۸/۹، ش ۵۸۸۹.

۱۳۴۱/۹/۱۷، ش ۵۸۲۱.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran, Tehrān): 293 – 067914; 293 – 118854; 297 – 49042. [Persian]

Books

Abrahamian, Ervand. (1386/2007). *“Irān bein-e do enqelāb”* (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney. [Persian]

Amini, Iraj. (1388/2009). *“Bar bāl-e bohrān: Zendegi-ye siāsi-ye Ali Amini”* (Ali Amini’s political life). Tehran: Māhi. [Persian]

Ashraf, Ahmad; & Banou Azizi, Ali. (1393/2014). *“Tabaqāt-e ejtemā’ee, dowlāt va enqelāb dar Irān”* (Social classes, state and revolution in Iran: A collection of essays). Translated by Soheila Torabi Farsani. Tehran: Nilufar. [Persian]

Cottam, Richard. (1371/1992). *“Nāsyonālism dar Irān”* (Nationalism in Iran: Updated through 1978). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Kavir. [Persian]

“Doktor Ali Amini be revāyat-e asnād-e Sāvāk” (Dr. Ali Amini according to SAVAK documents). (1379/2000). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā’āt (The Center of Historical Documents Center). [Persian]

Khosravi, Khosro. (1357/1978). *“Jāme’-e-ye dehqāni dar Irān”* (Peasant society in Iran). Tehran: Payām. [Persian]

Lahsayizadeh, Abdolali. (1368/1989). *“Tahavvolāt-e ejtemā’ee-ye Irān”* (Social developments in Iran). Širāz: Navid-e Širāz. [Persian]

Lajevardi, Habibollah et al. (1387/2008). *“Xāterāt-e Ja’far-e Šarif Emāmi: Noxošt-vazir-e Irān dar sāl-hā-ye 1339, 1340, 1357”* (Memories of Jafar Sharif – Emami, prime minister of Iran). Tehran: Safhe-ye Sefid. [Persian]



- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1394/2015). *“Eslāhāt-e arzi dar Irān 1340-1345”* (Landlord and peasant in Persia: A study of land tenure and land revenue administration). Translated by Mehdi Eshaghian. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Madani, Seyyed Jalal Al-Din. (1361/1982). *“Tārix-e siyāsi-ye mo’āser-e Irān”* (Contemporary political history of Iran) (vol. 1). Qom: Dafter-e Entesārāt-e Eslāmi.
- Momeni, Bagher. (1359/1980). *“Mas’ale-ye arzi va jang-e tabaqāti dar Irān”* (The land issue and the class war). Tehran: Peyvand. [Persian]
- Pahlavi, Mohammadreza. (1345/1966). *“Enqelāb-e sefid”* (The White Revolution). Tehran: Čāpxāne-ye Bānk-e Melli-ye Irān. [Persian]
- Parsa, Bijan. (n. d.). *“Simā-ye rustā-ye Irān”* (Village in Iran). Tehran: Peyvand. [Persian]
- Tavakkoli, Yaghub. (1377/1998). *“Xāterāt-e Ali-ye Amini”* (Memoires of Ali Amini). Tehran: Howze-ye Honari-ye Sāzmān-e Tabliqāt-e Eslāmi (Hozeh Honari). [Persian]
- “Xāterāt-e pānzdah-e Xordād-e Širaz”* (Memoires of 15th of Khordad in Shiraz) (2nd vol.). Tehran: Sāzmān-e Tabliqāt-e Eslāmi. [Persian]

Newspapers and press

- Ettelā’āt* (Ettelāat newspaper): 1341/8/23 – 1962/11/14, no. 10949; 1341/8/26 – 1962/11/17, no. 10951; 1341/10/10 – 1962/12/31, no. 10994; 1341/10/16 – 1963/1/6, no. 10992; 1341/10/18 – 1963/1/8, no. 10994; 1341/10/23 – 1963/1/13, no. 10997; 1341/10/24 – 1963/1/14, no. 10998; 1341/10/25 – 1963/1/15, no. 10999; 1341/10/26 – 1963/1/16, no. 10951; 1341/10/20 – 1963/1/10, no. 10996; 1341/12/28 – 1963/3/19, no. 11050. [Persian]
- Keyhān* (Keyhan newspaper): 1340/2/30 – 1961/5/20, no. 5361; 1341/5/29 – 1962/8/20, no. 5727; 1341/7/28 – 1962/10/20, no. 5779; 1341/8/9 – 1962/10/31, no. 5889; 1341/9/17 – 1962/12/8, no. 5821. [Persian]
- Pārs* (Pars newspaper): 1341/8/23 – 1962/11/14; 1341/10/20 – 1963/1/10, no. 2628. [Persian]
- Xāndani-hā* (Khandaniha Magazine): 1341/11/2 – 1962/1/22, no. 36. [Persian]

